

از خوبی هایمان توبه کنیم!

یکی از فرازهای بی نظیر دعای عرفه، جایی است که حضرت سیدالشهدا^(ع) خطاب به ساحت مقدس پروردگار می فرمایند: «إلهی مِنْ کَانَتْ مُحَابِسُهُ مُسَاوً فِکَیْفَ لَا تُکُونُ مُسَاوِیةً مُسَاوً وَمِنْ کَانَتْ حَقَائِقُهُ دَعَاوً فِکَیْفَ لَا تُکُونُ دَعَاوِیةً دَعَاوً» یعنی چگونه زشتی های انسان، زشت نباشد زمانی که حتی زیبایی هایش هم زشتی است و چگونه ادعاهایش واهی نباشد، درحالی که حق گویی هایش هم واهی بوده است؟

برادران و خواهران! این جمله فراز بسیار حساسی است، زیرا با وجود اینکه انسان مکلف است گناه نکند، بسیاری از ثواب ها و کارهای پسندیده او نیز ممکن است معصیت حساب شود، تاجایی که انسان در درجه ای از عرفان از خوبی های خود در پیشگاه الهی استغفار می کند و از آن ها به ذات اقدس پروردگار پناه می برد.

خیلی از ما ادعای بندگی خدا را داریم و این درحالی است که عبودیت، مقوله ای است که نه فقط در مقام ادعا بلکه باید در مرحله بندگی و در مقام عمل ثابت شود. این همان مبنایی است که حسین بن علی^(ع) می فرماید: «وَمِنْ کَانَتْ حَقَائِقُهُ دَعَاوً فِکَیْفَ لَا تُکُونُ دَعَاوِیةً دَعَاوً» یعنی چطور ادعاهای انسان، واهی نباشد زمانی که به حق گویی هایش هم باور ندارد؟ یکی از چیزهایی که ما بر سر کلاس درس معرفت آموزی اهل بیت^(ع) می آموزیم، این است که مؤمن حتی از خوبی های خود نیز باید در پیشگاه خداوند عذرخواهی و توبه کند، چون خوبی های ما نیز آغشته به نیت های غیر الهی و پر از نقص است.

درباره نماز این همه فراز معنوی مطرح است. گفته شده است «الضَّالَّه قُوبَتْ كُلُّ قُوبَةٍ» یعنی نماز وسیله تقرب مؤمن است یا آورده اند «الضَّالَّه معراجُ كُلِّ مُؤْمِن» یعنی نماز برای فرد با ایمان به منزله معراج است، اما گاهی اوقات باید انسان از همین نمازهایش به خدا پناه ببرد، به خصوص آن جایی که روزانه ده بار در نمازهای یومیه می گوید «إِنَّا کُذِّبْنَا وَ إِنَّا کُ نُسْتَعِیْن» ، اما در همان لحظه که این جمله را بر زبان جاری می کند، در ذهن خود به دنبال این است که سراغ کسی برود که وام خود را تسریع کند یا به خانه آقای بلندمرتبه ای برود تا مشکلاتش حل فصل شود. این مصداق بارز از لحظاتی است که بنده در پیشگاه ذات اقدس پروردگار به خدای خود دروغ می گوید و این همان نمازی است که دراصل باید زمینه ساز ارتباط با خدا باشد اما در عمل، انسان را به دوزخ می کشاند. حرفی که بر زبان جاری می شود، باید نشان دهنده فعل و انفعالاتی باشد که در باطن انسان روی می دهد.

اینکه انسان سر بر سجده می گذارد و می گوید، «سُبْحَانَ رَبِّیَ الْعَلِیِّ وَ یَحْمَدُه» یعنی انسان باید به مقامی برسد که در دل نیز هیچ چیز را از خداوند عالم بالاتر ندارد. برادران و خواهران! آیا وقتی ما ذکر سجده را می گوئیم، واقعا برایمان هیچ چیز بالاتر از خدا نیست؟ قبل از اینکه بخواهید تکبیره الاحرام بگویید، ذهن خود را خالی کنید، با خدا ارتباط برقرار کنید و تکبیر را بگویید، البته در احادیث داریم که وقتی مؤمنی در نماز تکبیر می گوید، خدا به دل او و زندگی او نگاه می کند و اگر او را اهل این شعار نبیند، وی را تکذیب می کند و از حلاوت یاد خود محروم.

امام صادق^(ع) می فرمایند: «إِذَا کَبَّرْتَ فَاسْتَضَعْ مَا بَیْنَ السَّمَاءَاتِ الْعُلَیَّ وَ التَّرَی دُونَ کَبْرِیَّائِه» فَإِنَّ ... إِذَا اِطْلَعَ عَلَى قَلْبِ الْعَبْدِ وَ هُوَ یُکَبِّرُ وَ فِی قَلْبِه عَارِضٌ غَیْ حَقِیقَه تَکْبِیْرَه قَالَ: بِأَ کَاذِبٍ أَتُخَدِّعُنِی؟ وَ عَرْنِی وَ جَلَالِی، لَا تُحَرِّمُکَ حَلَاوَه دُغْرِی وَ لَا تُخْبِثُکَ عَنْ قُوبِی وَ الْمُسَاوَه بِمُنَاجَاةِی: پس هنگامی که خدا را بزرگ دانستی و تکبیر گفتی، آنچه درمیان آسمان و زمین است، کوچک بشمار.

بی گمان آن هنگام که خداوند از دل شخصی که او را بزرگ شمرده اما از حقیقت آن بی بهره است آگاه شود، می گوید: ای دروغگو! آیا مرا گول می زنی؟ به عزت و جلالم سوگند! از شیرینی ذکر، محرومت می سازم و از نزدیکی به درگاهم و شادمانی مناجاتم، مانع می شوم.

(مستدرک الوسائل، ج ۴، ص ۹۶).

آری، حتی از کارهای نیک و نمازهایمان هم باید توبه کنیم و به خودش پناه ببریم که ما هیچ هستیم و امام خمینی^(ره) در بیت شعری می فرماید: نیستم و نیست که هستی همه در نیستی است

هیچم و هیچ که در هیچ نظر فرمایی

منیت و غرور خود را زیر پا بگذاریم و عمل خود را هیچ ببینیم تا ان شاء... مشمول عنایت خداوند و رحمت بی انتهای حضرتش قرار بگیریم. ان شاء...!

برگرفته از خطبه های نماز جمعه مشهد

تنظیم: حجت الاسلام والمسلمین حسین ابراهیمی

بپرس و بدان

حکم بی احترامی به دانش آموزان

در این ستون به پرسش های شما درباره حکم مسائل مختلف از نظر شرعی پاسخ خواهیم داد. شما مخاطبان گرامی می توانید پرسش های خود را به شماره پیامک ۰۲۲۸۹۳۰۰ با مادر میان بگذارید.

● می خواستم بدانم اینکه گاه در رنگ های استراحت مدرس یا بعد از ساعات درسی که معلمان و دانش آموزان دوهرم جمع هستند، درمورد دانش آموز خاصی صحبت می کنند و اسم او را می آورند و گاه عیب های او بر سر کلاس گفته می شود، آیا این کار صحیح است؟ سؤال دوم: آیا معلم حق دارد در کلاس درس برای اینکه جو کلاس عوض شود، با دانش آموزی شوخی کند یا او را مسخره کند؟ در صورتی که خود دانش آموز مشکلی نداشته باشد، چطور؟

آیت...! العظمی خامنه ای

بی احترامی به دیگران و فحش و ناسزاگویی از نظر احکام شرعی، جایز نیست و فرقی نمی کند که در حضور دیگران باشد یا در تنهایی، هرچند معلم برای آموزش و پرورش، یعنی برای تربیت دانش آموزان وظایفی دارد، اما زمانی که به آن وظایف عمل می کند، نباید از حدود شرعی تجاوز کند، مثل اینکه فحش بدهد یا تکت بزند. حالا یک وقت است تنهایی بد می گوید، خلاف است، ولی اگر در حضور دیگران باشد که موجب آبروریزی دیگران شود، این گناهش بیشتر است.

و اما اینکه عیب های یک دانش آموزی را سر کلاس و در جمع دانش آموزان بگویند، این حرام است. مگر جنبه نهی از منکر یا امر به معروف پیدا کند، به این معنا که آن دانش آموز، منکری را مرتکب شود یا واجبی را ترک کند که باید از آن منکر جلوگیری شود و طرف هم به انجام آن واجب، واداشته شود و راهی جز این نیست که این مسئله را در بین دانش آموزان بگوید. اگر این باشد، حکم غیبت را ندارد و حرام نیست. اما اگر این مسائل نیست و همین جوری معلم می آید جلوی دانش آموزان در غیاب دانش آموز دیگر یا در حضورش، او را مسخره می کند، این جایز نیست. اما اینکه با طرف شوخی کنند، شوخی مراتبی دارد. حالا مزاح ساده ای باشد، لفظ رکیکی نداشته باشد، طرف را مسخره نکنند، لقب بد ندهند، این ها نباشد، مزاح است و اشکالی ندارد. اما یک وقت هست با همین مزاح، او اذیت می شود، ناراحت می شود. در کل فردی که اهل مزاح نیست، بیخودی نباید با او مزاح کرد، زیرا ناراحت می شود.

و اما مسخره کردن دیگران: این حرام است، ولو طرف هم راضی است. یعنی این گونه نیست که حالا طرف راضی است، بتوانید او را مسخره کنید. تعبیر قرآن هم این است که گروهی، گروه دیگر را مسخره نکنند. این حکم کلی است. حال ممکن است طرف بگوید من را هر چه خواستید، مسخره کنید. خوب، دین می گوید نباید مسخره کرد و مسخره کردن دیگران، جایز نیست.



شهرآرامش
شماره ۱۳۷
تیرماه ۱۳۹۲

۱۴



مهرآرامش

مایه شادی یکدیگر باشید

نگاهی به عواقب ناسازگاری با همسر در آیات و روایات

حمیده ذاکری/ عشق و محبت بین اعضای خانواده، یکی از نشانه های الطاف خداوند متعال است. به تعبیر قرآن مجید، یکی از نشانه های قدرت پروردگار، وجود همسران و محبتی است که در بین آنان پدید می آید: «از نشانه های [قدرت و ربوبیت] او این است که برای شما از جنس خودتان، همسرانی آفرید تا در کنارشان آرامش یابید و در میان شما دوستی و مهریانی قرار داد». (سوره روم، آیه ۲۱). همچنین خداوند متعال برای حفظ این آرامش و انس، حقوق و تکالیفی را معین کرده است تا در سایه رعایت آن ها، همسران با آسایش و آرامش در کنار هم زندگی کنند و خانواده ای سرشار از عشق و محبت را بنا سازند. از این رو ائمه معصوم^(ع) در روایات مختلف، زن و مرد را به خوش رفتاری با یکدیگر دعوت کرده اند و آنجایی که تندخویی و نارضایتی وجود دارد، برای برطرف کردنش راهکار هایی نیز مطرح فرموده و همچنین کیفر و عقوبتی را در نظر گرفته اند تا اهمیت این پیوند را که زمینه ساز شکل گیری خانواده سالم است، نشان دهند. در ادامه به بیان این راهکارها در آیات و روایات خواهیم پرداخت.

شفیع یکدیگر باشید

در آیات و روایات به تکالیف و مسئولیت های متقابل همسران در کنار حقوق آنان، اشاره شده است. البته هر تکلیفی برای همسری، حقی برای او ایجاد می کند، زیرا در باطن هر حقی، تکلیفی و در باطن هر تکلیفی، حقی نهفته است. انجام مسئولیت های متقابل، زمینه ساز بهره مندی از بهشت و برکاتی از جمله شفاعت در روز قیامت است. پیامبر^(ص) می فرماید: «هر زنی از دنیا برود و شوهرش از او راضی باشد، به بهشت می رود» (نهج الفصاحه، ج ۱۰۲۲). امام باقر^(ع) نیز می فرماید: «هیچ شفاعت کننده ای برای زن نزد پروردگارش، نجات بخش تر از رضایت شوهرش نیست». (خصال، صدوق، ص ۵۸۸).

بدترین دشمن یکدیگر نباشید

همان قدر که مهربانی و خوش رفتاری در بین همسران می تواند به تقویت روحیه آنان کمک کند و آن ها را برای ادامه زندگی امیدوار سازد، به تعبیر احادیث، همسر ناسازگار دشمنی است که می تواند انگیزه و روحیه فرد را از بین ببرد و تلاش هایش را برای رسیدن به زندگی بهتر، خنثی کند. از حضرت صادق^(ع) روایت شده است: «پرزورترین دشمنان برای مؤمن، همسر ناسازگار است». این حدیث به خوبی نشان دهنده تأثیر همسر ناسازگار بر زندگی فرد است که پیامدش می تواند از هر دشمنی برای او، بدتر باشد. گاه این ناسازگاری به دلیل خلق بد فرد است. اخلاق بد و خلق تند یا زبان خشن، هر کدام می تواند به نوعی مایه عذاب همسر و همچنین سایر اعضای خانواده باشد. رسول خدا^(ص) در این باره فرموده اند: «بدترین مردم، فرد سختگیر بر خانواده است». شخصی پرسید: «مراد از سختگیری بر خانواده چیست؟» ایشان فرمودند: «اینکه هرگاه مرد وارد خانه شد، همسرش بترسد و فرزندش بهراسد و بگریزد و هرگاه از خانه بیرون رفت، همسرش شاد شود».

عبادتان قبول نخواهد بود

ناسازگاری یکی از زوج ها به هر شکلی که باشد، مانند آزار و اذیت کلامی یا بی توجهی و بی مهری و سایر مصادیق آن، در نزد خدایی پاسخ نمی ماند. پیامبر اکرم^(ص) در این باره می فرماید: «هر زنی که شوهرش را آزار دهد، اگر تمام عمرش را روزه بگیرد و شب ها عبادت کرده، بنده ها آزاد و مال ها در راه خدا اتفاق کند، خداوند هیچ نماز و کار نیکی را از او نمی پذیرد تا آن گاه که به شوهرش کمک و او را از خود راضی کند، وگرنه آن زن، اولین فردی است که به جهنم می رود». سپس فرمودند: «مرد هم اگر همسر خود را اذیت یا به او ظلم کند، چنین گناه و عذابی خواهد داشت». (ثواب الاعمال، ص ۳۳۵، ج ۱).

همچنین امام صادق^(ع) درباره رضایت همسران از یکدیگر در حدیثی بیان کرده اند که جلب رضایت همسر حتی بر عبادت نیز اولویت دارد.

خوبی و خیر در لباسی متفاوت

در تفسیر آیه «وَ یُجَعِّلْ... فِیه حَیْرًا کَثِیْرًا» با آنان (زنان) به شایستگی رفتار کنید، پس اگر آنان را ناخوشایند داشتید، پس چه بسا چیزی را ناخوشایند دارید و خداوند در آن نیکی فراوان قرار دهد، مباحث زیادی مطرح می شود، هرچند به طور کلی در سوره نسا، بحث درباره زنان است و مصداق شیء ناخوشایند در اینجا، خود زنان اند که درباره شان عبارت «خبر کثیر» به کار رفته است. پس زنان می توانند خبر کثیر باشند، البته آیه «عَسَىٰ اَنْ تَکْرَهُوا شَیْئًا وَ یُجَعِّلْ... فِیه حَیْرًا کَثِیْرًا»، گزاره عامی است و می تواند مصادیق زیادی داشته باشد، یعنی شیء ناخوشایند (شیئًا) اگرچه مصداق مورد بحثش در آیه زنان هستند، اختصاصی به زنان ندارد، بلکه می تواند هر چیزی را که مورد کراهت انسان باشد، شامل شود، از جمله شوهر، فرزند، پدر، مادر، برادر، خواهر و... یا چیزهای مادی مثل خانه و... بنابراین، این آیه می تواند مردان و شوهران ناخوشایند را نیز شامل شود.

به خیر بی شمار می رسید

قرآن مجید در سوره نسا، همسران را به سازگاری با یکدیگر حتی در زمان نارضایتی، فراخوانده است. طبق تعریف، سازگاری شامل طیف وسیعی می شود. سازگاری هر نوع صلح، آشتی، هم نواپی و دوری از تنش است که برای رسیدن به یک هدف برتر که همان رضایت خداوند است، انجام می گیرد و هدف های میانی و ابتدایی نیز در راستای آن هدف قرار می گیرد. در محل بحث هم سرانجام، همسران برای رسیدن به پاداش اخروی به جای جدایی، با یکدیگر صلح می کنند و در ضمن از تنش دوری می گیرند و این کار، دقیقاً مصداقی از سازگاری خواهد بود و خیر بی شماری که در آیه بدان اشاره شده است، همان حراست از کیان خانواده است (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۷۵، ص ۲۵ و ۲۶).

با هم بسازید

حال اگر یکی از طرفین سر ناسازگاری بگذارد، از منظر احادیث و سیره اهل بیت^(ع)، تکلیف طرف دیگر چه زن باشد چه مرد، صبر و خویشتن داری است. حضرت امیرالمؤمنین^(ع) در روایتی فرموده اند: «جهاد یک زن، عبارت از آن است که در برابر آزار و اذیت شوهر خود و در برابر غیرتمندی او صبر کند». همچنین از رسول خدا^(ص) نقل شده است: «هر که بر بد اخلاقی زنش صبر کند، خداوند متعال برای صبری که می کند، ثوابی مانند صبر ایوب^(ع)» بر بلایی که به او رسید، عطا می کند». قرآن مجید نیز درباره رعایت و تقدم مصلحت خانواده می فرماید: «اگر در مواردی یکی از زوج ها بعد از ازدواج، همسرش را بر اساس معیارهای خود مطلوب ناند، ولی زندگی با او را ادامه دهد و با وی خوش رفتاری کند، خداوند به چنین فردی وعده خیر کثیر می دهد».

بر طرف کننده اندوه یکدیگر باشید

مهم ترین و صریح ترین تعبیری که به سلوک اخلاقی مرد با همسرش اشاره می کند، آیه ۱۹ سوره نسا است که با تعبیر عام «عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» به مردان سفارش می کند با زنان و همسران خود، نیکو معاشرت کنند. زن و شوهر باید کاری کنند که هر دو از یکدیگر راضی باشند. امام علی^(ع) درباره رفتار و سیره خود و فاطمه^(ص) می فرماید: «به خدا سوگند که هرگز بر فاطمه^(ص) غضب نکردم و او را به کاری مجبور نساختم تا آنکه خداوند عزوجل، او را به نزد خویش برد و او نیز مرا خشمگین نساخت و هرگز بر خلاف خواست من عمل نکرد و من هرگاه به او نگاه می کردم، غصه ها و اندوه هایم برطرف می شد». (کشف الغم، ج یک، ص ۳۶۲).